

راجع به game theory یا همون
تئوری بازی ها اطلاعی دارید؟

می دونم چیه

نمی دونم چیه

می خوام از آخرین تزم، حتی در همین وضعیت رونمایی کنم.

ادعاهای من، تا جایی که گشتم، برای اولین بار هست که در تاریخ بشریت مطرح می شن.

چرا دین، تضمین آزادی است؟

چرا بحث اصلی، بین خداباوری و خداناباوری است نه بین لیبرالیسم و سوسياليسم؟

چرا لیبرال های آتئیست، کمونیست های تاخیری هستند؟

چرا مصادره کنندگان دین، خداناباوران خداورنما هستند؟ چرا مصادره کنندگان دین، در اصل کمونیست هستند؟

چرا لیبرالیسم، بدون دین، تبدیل به کمونیسم می شود؟

ساده ترین و دم دستی ترین مثال برای آشنایی با تئوری بازی‌ها، معمای معروف زندانی است.

می‌دونمش

نمی‌دونمش

دو زندانی داریم.

اگه یکی اون یکی رو لو بده و دیگری سکوت کنه، آزاد میشه و دیگری مثلا ۵ سال زندانی میشه.

اگه هردو علیه هم شهادت بدن، هر کدوم ۳ سال میرن زندان.

اگه هردو سکوت کنند، هر کدوم ۶ ماه میرن زندان.

شما یکی از این دو هستید. چه میکنید؟

سکوت میکنم

علیه دیگری شهادت میدم

دو زندانی داریم.

کی رو لو بده و دیگری
شه و دیگری مثلا ۵
شه.

اً
آرٹی داشته باش عقل معاف
دیگری تسلط از باید علیه
آگه هر اگه هر
شما یکی از این دو
می کنید؟

75% سکوت می کنم

25% علیه دیگری شهادت می دم

اعداد ۵ سال و ۲ سال و ۶ ماه زندان
می‌توనن تغییر کنند

اما مهمترین پارامتر این است که:

چند دست این بازی ادامه دارد؟

چندبار دیگر ما دو زندانی، در
شرایط مشابه قرار می‌گیریم؟

چه زمانی این دست بازی، دست
آخر است؟

اگر بدانیم دست آخر است یا نه،
بازی به شدت تغییر می‌کند و
تصمیم گیری ما عوض می‌شود.

اگر بازی فقط یک دست باشد
باید به زندانی دیگر خیانت کرد

اگر بدانیم این دست، دست آخر است نیز، به
نفع ماست که به زندانی دیگر خیانت کنیم.

اما بازی وقتی پیچیده می‌شود که ندانیم این
دست، دست آخر است یا نه.

ضرب المثل های
زمین گرده

کوه به کوه نمی‌رسه، آدم به آدم می‌رسه
گذر پوست به دباغ خونه می‌افته
دنیا کوچیکه و ...
همین دنیا جوابش رو می‌گیری
اون دنیا باید جواب پس بدی
... 9

همه تلاش هایی برای این هستند که به دیگری بفهمانیم،
این دست، دست آخر نیست!

شما از شهر ایکس میایید به شهر ایگرگ

وارد یک فروشگاه میشین، **فروشگاه هیچ** دوربینی ندارد. اگر شما جنسی بردارید هم کسی متوجه نمیشود پول دادید یا ندادید و بعد از آن به شهر خود برمیگردید.
(دست اول و دست آخر است)

در برابر شما، نسبت به دارایی‌هایتان،
یک جنس گران قیمت وجود دارد.
(برای یکی ۵ کیلو طلاست برای یکی
یک لپتاپ و ...)

برمی‌دارم می‌رم و پوش هم نمی‌دم
(دزدی می‌کنم)

برنمی‌دارم و یا پوش رو می‌دم
(دزدی نمی‌کنم)

در واقع، دزد یا دزدان، می‌گویند ما که نفع شخصیمون رو بردمیم، از امروز هم که دوربین گذاشتند، نه ما می‌تونیم دزدی کنیم نه هیچکس دیگه، پس نفع شخصی ما، ماسکیمم شده است.

هزینه عمومی اما چیست؟ تهدید آزادی

دوربین‌ها را چه کسی چک می‌کند؟
یک انسان یا جمعی از انسان‌ها.
فارغ از اینکه دیکتاتوری انتخاب شده باشند یا دموکراتیک، به هر حال نظارت انسان بر انسان است.
این دوربین‌ها دزدی را صفر نمی‌کند، بلکه درصد دزدی را کم و انتخابی می‌کند.

عقل سليم می‌گوید به نفع شماست که بردارید
(البته فعلاً فرض کنیم چنین است)

نتایج در جهان نشان می‌دهد که چنین کاری، باعث دزدی بسیار می‌شود.

نتیجه چه می‌شود؟

اگر تعدادی متناهی دزدی کنند، مثلاً حداقل ۱ درصد مشتریان، ساکنین شهر به صاحب فروشگاه می‌گویند ۱ درصد دزدی ها رو پخش کن رو قیمت ها اشکالی نداره.

اما اگر درصد دزدی ها به بیش از ۱۰ درصد رسید چی؟ به ۳۰ درصد رسید چی؟

راه حل اینجا، گذاشتن یک متصدی و تعدادی دوربین کنترلی در فروشگاه است.

این دوربین‌ها علاوه بر انتخابی کردن
دزدی‌ها (دوستان و آشنایان متصدیان
فروشگاه و دوربین‌ها)

داده‌های زیادی از نحوه مصرف افراد
جمع آوری می‌کند، که هرکس چه چیزهایی
می‌خرد و ... که امروز همه می‌دونیم این
ها یعنی چی و هوش مصنوعی با اینا چه
می‌کند.

از طرفی، این دوربین‌ها، در زمان‌های
دیگر، می‌تواند با تشخیص چهره، فلان
انسان با عقاید متفاوت را شناسایی کند
و تحويل یک ساختار سرکوب کند.

**همه این‌ها یعنی تهدید و
نابودی آزادی**

به دلیل دزدی عده‌ای و تصمیم جمعی بر
کنترل با دوربین، به جای گران‌تر شدن اجناس

اگر از افرادی که گفتند بدون دوربین و کنترل،
دزدی نمی‌کنند، بپرسیم چرا این کار را نمی‌کنند؟

چند پاسخ بیشتر ندارند:

خدا ناباورم ولی با کارما باید جواب پس بدم.
خدا باورم و اون دنیا باید جواب پس بدم.
خدا ناباورم و انسانیت حکم می‌کند.
خداناباورم و نفع شخصی من در نفع جمعی است.

اما واقعیت این است که تمام پاسخ‌های
ممکن «گزاره‌های اثبات ناپذیر» هستند.

اصول موضوعه یا Axiom هستند و از
نظر منطقی، ارزش برابر دارند.

اما نکته این است که تمام پاسخ‌های
خداناباور به سادگی قابل رد هستند.
چطور؟

اگر ارزش دزدی شما نسبت به درآمد شما، باعث انباشت سرمایه شود (برای شما زمان بخرد یعنی بتوانید مدت ها و سال ها بدون کار کردن از پولش استفاده کنید یا در سرمایه گذاری ها بیشتر سود کنید)

نتیجتا، ادعای یک خدانا باور مبنی نفع شخصی من در نفع جمیع است رد است.
چرا؟

چون شما با فرض خدا ناباوری و نبود معاد، رجحان زمانی در محدوده عمر خودتان دارید و بعد از مرگ معتقدید خبری نیست. در این حالت عقل سليم حکم می کند بدزدید.

اگر ندزدید، از احمق هم احمق ترید. اون دنیایی نیست، خدایی نیست، تا اثرات ضرر دزدی شما به صورت جمیع روی خود شما اثر بگذارد، شما با دزدی خودتان، در محدوده عمر، بارتان را بستید.

اگر خدانا باورید و می‌گویید انسانیت و وجودان و ذات انسان حکم می‌کند.

سوال:

انسانیت چیست؟ وجودان چیست؟ ذات انسان چیست؟

سوال دقیق‌تر:

خودآگاهی یا کانشنسنс چیست؟

این سوال، سوال سخت فلسفه ذهن است و پاسخ به آن، پاسخ به تمام سوالات جهان است. پاسخ ساده فلسفه ذهن همان کاریست که در نوروساینس در حال انجام آن هستند.

قبلا در این باره دیوید چالمرز رو برای آشنایی با کانشنسنс معرفی کردم. برای فهم مسئله، کمک می‌کنه.

در پاسخ به این افراد، به این می‌رسیم که پس یک axiom به نام انسانیت و وجودان و ... رو پذیرفتید که مطلق است. و اما سوال بعدی:

این خودآگاهی چیست؟ از چه زمانی متوجه
شدید که آن را دارید؟

اولین صدایی که شنیدید و یا تصویری که
دیدید کی بوده؟

اولین بار چه زمانی، راوی ذهن شما با شما
حرف زده است؟ (مثل الان که با خودتون
می‌گین این جنت خواه چی می‌گه)

چرا این راوی ذهن اشخاص متفاوت شده
است، چرا خودآگاهی شما در بدن فیزیکی
من emerge نشده است؟

در تفکر سیستمی و فرگشت، به این
می‌رسیم که تجمعی اجزا با آرایش خاص،
باعث به وجود امدن یک خودآگاهی یا روح
سیستم می‌شود. بهش می‌گن ایمرجنس.
راجع بهش سرچ کنید. زیاد هم نوشتتم

خب که چی؟

نورون های مغز شما، جدا جدا
نمی دونن چیکار می کنند، اما در آرایشی
کنار هم با سایر اعضای بدن، یک
خودآگاهی رو تشکیل دادن.

بخشی از ذهن آسیب می بینه، این
خودآگاهی گاهی ثابت می مونه گاهی
نه. ما رفتارش رو می تونیم بررسی
کنیم اما نه خودش رو.

فی الواقع ما با پدیده ای مواجه
هستیم که نه می دانیم چیست، نه
می دانیم از کجا او مده، نه می دونیم از
کی داریمش، نه می دونیم چرا و با چه
فرمولی اینطوری تقسیم شده و ما
جای جسم همدیگه نیستیم.

این همونه که می‌گن:

من می‌اندیشم پس هستم

یا هرکس خود را بشناسد، خدای خود
را شناخته است

و ...

اگر ما می‌دونستیم این خودآگاهی
چیست و از کجا او مده، راجع به
اینکه بعد از مرگ چی می‌شه هم
می‌تونستیم اظهار نظر کنیم.

تا اینجا رو در ذهن نگه دارید.

خدانا باوری که گفت برای انسانیت و
وجودان و ... دزدی نکردم.

پس اصالتی بر یک وجود مطلق در
نهاد انسان قائل شده.

من به اینا می‌گم، خدا باورنما یا
خدانا باوران خداباور.

این ها هم یک اصل اثبات ناپذیر رو
به صورت پیش فرض پذیرفتند.

نکته دوم این است که به صورت اولی ثابت
می‌کنند که سقط جنین، قتل است چون چیزی
دارد که مطلق است (خودآگاهی)

چون یک نهادی در ذات انسان را پذیرفتند که تا
زمانی که جان مادر رو تهدید نکنه نباید کشتش.

اما این انسانیت خالی هم باگهایی دارد که
در ادامه خواهم گفت. به تنها یی ناقص
است.

به لحاظ اصول منطق

کسانی که نمی‌توانند شرح دقیق دهند که خودآگاهی چیست و از کجا او مده، نمی‌توانند بگویند که بعدا هم بعد از مرگ چه خواهد شد.

حالا می‌خواد هیچنز باشه، می‌خواد هاوکینگ باشه، می‌خواد داوکینز باشه.

تمام حرف‌هایشان، شرح‌هاییست بر اساس تعداد زیادی axiom اثبات ناپذیر. فقط چون زیباست و شیک و به نظر علمی می‌داد، پرستیز بیشتری دارند.

اما از نظر اصول منطق، فرقی با سایر گزاره‌ای اثبات ناپذیر ندارند.

اما هنوز تمام نشده.

چرا مثلا در نروژ یا سوئیس یا دبی،
شما یه شی گران قیمت رو وسط
خیابون بذاری، بری ماه دیگه برگردی،
سر جاشه؟

چون خلا اصول اثبات ناپذیری مثل
خدا و معاد، با «رفاه و توسعه»
جبران شده است.

در واقع دزدی، تاثیر خاصی در
کیفیت زندگی تضمین شده شما در
عمر ۹۰-۱۰ ساله شما نمی‌گذارد.

مشکل اینجا شروع می‌شود

در تمام تاریخ، زمین به قدری بکر و گستردگی بود که انسان خلا ایده و دانش داشت.

اگر ایده ای ایجاد می‌شد، زمین سخاوتمندانه همه چیز برای تحقق آن داشت.

به همین دلیل خدانا باوران، همواره در ادعای خودشان موفق عمل می‌کردند. چون می‌توانستند بدون دین، رفاه و ارزش خلق کنند.

اما برای اولین بار در تاریخ، ما در چنین وضعیتی نیستیم. زمین دیگر سخاوت گذشته را ندارد.

سرعت مصرف منابع معدنی زمین، ۲ برابر سرعت اکتشافات جدید شده.

برای رشد و توسعه، جای بکری نمانده، همه جا خط کشی و مرز بندی شده.

تا سال ها، قطعات تراشه های شرکت Nvidia پیش فروش شده. هوش مصنوعی برای توسعه، بحران کمبود سخت افزار دارد نه ایده.

به صورت خلاصه

قبلا تعادل ترازو، به سمت زیاد بودن منابع سنگینی و کمبود ایده می کرد، امروز ایده زیاده، منابع کمeh.

آزادی کشورهای لیبرال، اگر بستر دین نداشته باشند، وابسته به رفاه است.

اگر رفاه کاهش پیدا کند (کمبود منابع، جنگ، تغییرات اقلیمی و ...) دزدی به صرفه تر می‌شود، کنترل گری لازم تر می‌شود و آزادی از بین می‌رود.

از طرفی، همه برای توسعه، مجبورند به سایر کشورها دست درازی کنند. اگر نکنند، جایگزینی برای رفاه ندارند. که آزادی کشورهایشان را حفظ کنند.

اما سرمایه داری، یک ادعای اثبات ناپذیر دیگر مطرح می‌کند.
چی؟

آن ها می‌گویند که زمانی می‌گفتند جمعیت لندن اگر بیشتر شود، در شکه ها بیشتر می‌شوند و شهر غرق در عن اسب ها می‌شود، اما ماشین بخار اختراع شد و داستان جمع شد.

می‌گویند که اقتصاد به شکلی پیش می‌رود که انسان با اختراع تکنولوژی، همه بحران ها را حل می‌کند. مثلا هنوز پوسته زمین رو نگشته‌یم، گوشه هسته زمین پر از منابع است، از سیارات دیگر منابع می‌آوریم و ...

اما این ها هم ادعای اثبات ناپذیر هستند. هیچ اثباتی جز ارائه شواهد بر اساس گذشته ندارند.

به روش برهان خلف این ادعا رو
بررسی می‌کنیم:

اول. اگر فرض کنیم چنین است، پس سرمایه داری ادعا می‌کند به یک مجموعه تئوری رسیده است که همزمان هم سازگار است و هم کامل، یعنی پاسخ همه مسئله‌ها را می‌دهد و سازگار است. اگر گزاره‌های آن‌ها را به صورت نمادهای ریاضی بنویسیم، این به دلیل قضیه اول و دوم ناتمامیت گودل رد می‌شود.

دوم. فرض می‌کنیم ادعای آنان درست است. پس ...

یا یک تکنولوژی یا اختراعی می‌آید که بحران منابع را حل می‌کند.

اگر چنین باشد، یک انسان، شرکت، کشور یا جمیع از انسان‌ها دارای آن هستند که می‌توانند رقابت را برده و به جهان مسلط شوند.

یا تعدادی رقیب همزمان به آن می‌رسند و رقابت را ادامه می‌دهند. در جایی این رقابت یا به جنگ ختم می‌شود یا بدون جنگ یکی بر دیگران چیره می‌شود. (رونده انباشت سرمایه و قدرت رو می‌بینیم، شرکت‌های بزرگ دارن کم تعداد تر می‌شن و دامیننس بزرگتری ایجاد می‌کنند).

در هر دو حالت، ما به حکومت نهایی انسان یا گروهی از انسان‌ها بر دیگران می‌رسیم که خواهم گفت مشکل آن چیست.

بحران منابع رو مدل سازی می‌کنم به
بحران انرژی.

چرا؟ چون اگر بحران انرژی همیشه حل
شود، ما می‌توانیم با بازیافت یا دسترسی
به منابع بکرتر یا دورتر، مشکل سایر مواد
مورد نیاز رو حل کنیم.

اگر انرژی ارزان و در دسترس و تجدید پذیر و پاک
توسط تکنولوژی به دست آید، پس همه انسان‌ها
قدرت نامتناهی پیدا می‌کنند.
یا کسی که توانسته خلقش کنه، می‌تونه با قدرت
نامتناهی به دیگران مسلط بشه.

در حالت اول، باز با قضایای گودل، به مجموعه
کامل می‌رسیم که سازگار نخواهد ماند.

در حالت دوم، حکومت انسان بر انسان خواهیم
داشت که همون کمونیسم ابدی است.

همین استدلال راجع به جوش
هسته‌ای هم صادق است.

یعنی کره زمین رو تبدیل می‌کنیم به
رقابت بین خلق خورشیدهای کوچک.

و باز یا همه بهش دست پیدا می‌کنند
همدیگه رو ذوب می‌کنند.
یا یکی باهاش به بقیه مسلط می‌شه.

حالا برمی‌گردیم عقب.

که زمین دیگه مثل سابق، سخاوت
سابق رو برای رقابت ندارد.

نتیجه این شده که همه در حال تخمین دست آخر در گیم تئوری هستند.

دست آخر کی ہست؟

تخمین ها به وسط می آیند، روسیه به اوکراین حمله می کند، چین در حال تخمین برای حمله به تایوان است، همه در حال تخمین افول دلار هستند و ...

امریکا هم چین را در تراشه ها تحریم می کند و تخمین های دیگران را در مورد افول دلار دیستورت می کند. چرا؟

چون اگر حدس دیگران درست باشد که دلار افول می کند، به غلط انداختن تخمین زمانی آن ها، باعث تداوم قدرت دلار می شود!

بلایی که امریکا سر جمهوری اسلامی و روسیه و چین داره میاره.

در گیم تئوری اگر در تخمین دست آخر اشتباه کنید، همه چیز را خواهید باخت.

زمان بندی این که چند سال دیگر فلان کشور محو می‌شود هم همین است.

در یک جهان خداناباور، با حکومت‌های خداناباور که یا خداناباورند یا خداباورنماهایی هستند که دین را مصادره کرده‌اند.

همه در حال تعیین وقت هستند و این باعث می‌شود فرکانس و حجم دزدی‌ها و اختلاس‌ها در سطح فردی تا حکومت‌ها، بیشتر شده و توجیهش کنند.

و در تمام این اتفاقات، کنترل گری حکومت‌ها بیشتر شده، ارزش‌های آزادی لگدمال‌تر شده و گه جهان را بر می‌دارد.

اینجاست که به تاکید حدیث و همه
چیز محکم داریم:

کذب الوقاتون (تعیین کنندگان وقت،
دروغ گویانند)

تعیین کنندگان وقت، چه برای معاد و
چه برای ظهور، دروغ گویانند.

در واقع این بحران دست آخر در گیم
تئوری رو، دین با پنهان کردن زمان
پایان دنیا، پاسخ داده.

مادامی که زمان دست آخر پنهان نیست و افراد باور ندارند که برای اعمالشان باید پاسخ دهند، آزادی خواهند داشت.

۹

آزادی نابود خواهد شد.

این اولین بار در تاریخ است که صرف بازار آزاد و رقابت، احتمالاً رفاه خلق نکند و خودش که باعث آزادی بود، آزادی را نابود کند.

چون در نهایت، منجر به این می‌شود که انسان، بندگی غیرخدابهایی را کند که در نهایت پیروز رقابت نهایی شدند. انسان دیگر آزاد خواهد بود. آن‌ها کنترل‌مان خواهند کرد و انسان طراز نوین خودشان را اعمال کنند. لیبرالیسم هایی که در نهایت، با بی‌خدایی، کمونیسم جهانی می‌شوند.

بخش دیگری از این پروژه، دمیدن در ایدئولوژی تغییرات اقلیمی است، نه برای حل آن

بلکه برای توجیه کردن افزایش اختیارات و قدرت دولت‌ها.

مثال فروشگاه رو یادتون بیارید.

دولت‌ها و نهاد‌هایی که با امضاهای طلایی، با بهانه حفظ محیط زیست، با افزایش انحصار، فرصت طلایی رو برای انحصار و کنترل جوامع ایجاد کنند.

من منکر یا تایید کننده تغییرات اقلیمی نیستم، بلکه از این مسیر وحشت دارم.

حالا دیگه راحت‌تر می‌تونید بفهمید، ایده‌های داخلی مثل دلار زدایی و مالیات و ایده‌های بین‌المللی مثل ایدئولوژی تغییرات اقلیمی یا جنگ روسیه و تحریم چین و ... یعنی چی.

پرسش:

این حدیث از کیست که معین کننده وقت ظهر امام زمان(ع) دروغگو است؟

پاسخ:

- سَأَلْتُ أَبِي جَعْفَرَ عَنْ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقُلْتُ فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ رَاوِي گوید: از حضرت باقر(ع)

پرسیدم: این امر (ظهور حضرت) وقت معینی دارد؟ حضرت

سه مرتبه فرمود: "کسی که وقت معین کند، دروغ گفته است". ۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَالَ كَذَبَ الْمُوقَتُونَ مَا وَقَتْنَا فِيمَا مَضَى وَ لَا نُوقِتُ فِيمَا يَسْتَقِيلُ امام صادق(ع) فرمود: "کسی که وقت تعیین کند، دروغ گفته است. ما نه در گذشته وقت تعیین کرده ایم و نه در آینده (برای ظهر حضرت مهدی) وقت تعیین خواهیم کرد". ۲. در توقیعی که از امام زمان علیه السلام به نائب ایشان صادر شد آمده است که: أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَيْهِ وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ ۳ امر ظهر به دست خداوند است وکسانی که وقت تعیین کنند دروغگو هستند ۱ . علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 52 ، ص 103، مؤسسه الوفاء بيروت - لبنان، 1404 هجري قمري. 2 . همان . 3 . همان ،

اما همه اینا اول مسیر این سری
مقالات بود که مجبورم دست
حالی بنویسم.

می‌رم و برمی‌گردم که اختصاصی تر
بگم چرا

لیبرال‌های آتئیست،
کمونیست‌های تاخیری هستند.

چرا بحث ما، اساساً بحث خداباوری
و خداناباوری است.

چرا همه کسانی که آزادی دیگران رو
سلب می‌کنند، خداناباورند.

يَسْأَلُونَكُمْ عَنِ السَّاعَةِ أَيَانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا
عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يَجِدُهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلٌ
فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بِغُثَّةٍ
يَسْأَلُونَكُمْ كَأَنَّكُمْ حَفِيْظَةٌ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ
اللَّهِ وَلَكُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا
يَعْلَمُونَ (ترجمه: درباره قیامت از تو
میپرسند که در چه وقت واقع
میشود؟ بگو: «واقعهای بس عظیم در
آسمانها و زمین است و فقط پروردگار
میداند و جز او کسی وقتی را
نمیداند و به طور ناگهان میآید،»
چنان از تو میپرسند که گویی از وقوع
آن خبر داری، بگو: «علم آن نزد
خداست، ولی بیشتر مردم
نمیدانند.») [اعراف-۱۸۷]

پذیرش اصول اثبات ناپذیر خدا یا خودآگاهی (کانشنس) هر کدوم می‌توان به تایید دیگری منجر بشن، دیگه جاش اینجا نیست بنویسم. باشه توی کتاب ایشالا.

نتیجتا اینکه لیبرال های آتئیست، همزمان با خداناباوری، کانشنس رو هم به رسمیت نمی‌شناسند.

عدم به رسمیت شناختن کانشنس، باعث می‌شه به راحتی به سقط جنین رای بدن، به راحتی با فقر دیگران کنار بیان و ... نتیجه اش این می‌شه که در یک دیالکتیک (هایلایت حیات با تضاد) کمونیست ها و سوسياليست ها را تقویت می‌کنند.

هر نوع از خداناباوری، یا کشن انسان را توجیه می‌کنه (به خودآگاهی و خدا معتقد نیستند مثل کمونیست ها) یا به بندگی و بردگی گرفتن دیگران رو توجیه می‌کنه (حکمرانی دلار و مالیات و تعیین تکلیف برای دیگران و استثمار و ...)

تا اینجا نوشتم که چرا عدم باور به
معد (یکی از اصول دین)، آزادی
انسان ها رو سلب می کنه و آزادی
بدون باور بستر جامعه به معد،
ناپایدار و نهايتها غیرممکنه.

اما این به این معناست که برعی به زور
به همه بگی به معد ایمان بیار و گرنه
می کشیمت؟
اینم از اون مصادره های دینه.

دونه دونه می ریم سراغ همه اش.

توحید به این معنیست که خداوند یکیست و
ما فقط بندگی خدا رو نمی‌کنیم.

اما دو تا چیز جا افتاده نمی‌دونم تعمدیه یا نه.

همزمان هم یعنی بندگی غیرخدا رو نمی‌کنیم.
(این رو باز یه عده دیگه هم گفتن)
و هیچ انسان دیگری رو به بندگی نمی‌گیریم.
(این رو ندیدم بگن)

ممکنه بگید خدا چیست که بندگیش رو کنیم؟
ما در اون حد نیستیم که بگیم چیست.
بنابراین من از این بخش گذر می‌کنم.

باور به توحید یکی دیگه از پایه های
تضمنی آزادیه.

این که هیچ انسانی اجازه نداره به هیچ
طریقی، قدرت انتخاب و اختیار دیگران
رو ازشون سلب کنه، چرا؟
چون اون وقت مقامی بالاتر از خدا برای
خودش قائل شده. چرا؟

خود خدا گفته من از روح خودم در انسان دمیدم و بهش قدرت اختیار و انتخاب دادم.

در حدی که از دستورات خودم هم سرپیچی کرده و آزاد بوده.

این خیلی اصل روشنیه

یعنی هرجا قدرت انتخاب و اختیار شما سلب شده، دارید بندگی غیرخدا می‌کنید.

هرجا هم قدرت انتخاب و اختیار کسی رو محدود کردید، یعنی دارید دیگران رو به بندگی می‌گیرید، حتی اگه بندگی غیرخدا رو نکرده باشید، برای خودتون مقامی بالاتر از خدا در نظر گرفتید.

همین کد رو میشه به راحتی در جای
جای زندگی دید.

اجبار به استفاده از دلار، تحریم و ...
کارهایی که شیطان بزرگ داره میکنه
و بقیه رو به بندگی گرفته.

دلار زدایی، تورم، مالیات بدون
پاسخگویی و ..., کارهایی هستند که
در ایران باعث شدن مردم بندگی
غیرخدا کنند و به بندگی گرفته بشن

به همین دلیل، اتفاقاً اقتصاد اتریشی که
هايك از پول خصوصي و آزادی کامل
اقتصادي صحبت میکنه، بيشتر از هر
مدل ديگري منطبق بر دينه.

اما استدلال كافي برای خودش نياورده،
من برآتون اولين بار ميارم.

فرض کنیم جامعه، در بستر خودش
توحید را قبول ندارد:

در این صورت، برای جایگزینی این
اصل اثبات ناپذیر، با تعداد بسیار
بیشتری (نامتناهی) اصول اثبات ناپذیر
مواجه می‌شود.

به این طریق، تعداد بسیاری مسئله مثل
سقط جنین به وجود می‌آید، که هر
انسانی، با دیگری بحث داره که چرا
حرف تو باشه؟ حرف من باشه.

اگر به دموکراسی واگذار بشه، جامعه
همواره دوپاره می‌شه و نهايتاً توی
سيكل بازتوليد نظر اکثریت می‌افته.
این خودش حقوق اقلیت رو به مرور
تهدید می‌کنه.

نمونه؟ برخوردي که دانشگاهها با جردن
پیترسون کردند، یا کاري که با ماليات می‌کنند.
نظر اکثریت هم یعنی برتری ترجيحات عده‌ای
از انسان‌ها بر دیگر انسان‌ها

عدم وجود اعتقاد به توحید در بستر جامعه، نهایتاً منجر به رجحان نظر و منافع عده ای بر عده دیگر می شود.

این خلاف آزادی است.

از این رو است که دغدغه من دموکراتیک بودن جامعه نیست، دغدغه من، تضمین آزادی افراد است.

دموکراسی، ارزان ترین راه پیروزی کمونیست هاست. این رو رهبر حزب کمونیست فرانسه می گه نه من.

برای همینه چپ ها، می گن جمهوری سکولار، حتی نمی گن جمهوری لیبرال. چون راه کمونیستی کردن جامعه همینه.

بشر در یکی دو هزار سال اخیر، تلاش کرد که ۳ اصل اثبات ناپذیر axiom توحید، نبوت و معاد را نپذیره و به جاش اصول دیگر بذاره.

با تنها اصل «مالکیت خصوصی» تونسته توسعه و رفاه ایجاد کنه، اما اینم الان به مشکل خورده.

ادعایی که من ثابت می‌کنم در ادامه اینه که:

هیچ مجموعه تئوری سازگاری برای جامعه وجود ندارد تعداد axiom های آن متناهی و کمتر از ۳ باشد.

البته تا امروز، حتی مجموعه تئوری سازگاری نیومده که حتی axiom هاش متناهی باشه، ۳ که هیچ، ۵۰۰ تا اصل اثبات ناپذیر داشته باشه اصلاً

یعنی شما توحید و نبوت و معاد را بذار کnar، جاش هرچی خواستی بذار بدون اثبات بپذیریم اما consistency را نقضش رو بشه ثابت کرد یا نقضش رو رد کرد.

وجود نداره

نگردید، اصلا من تازه یک ماهه توی روزهای آخر انفرادی و چند روز بعدش، تونستم بالاخره اثباتم رو تموم کنم.

حتی جرات ندارم درک ناقص خودم رو بذارم
«اولین فهم از تحدي قرآن»

تحدى همونه که می‌گه یه کتاب مثل من بیارین.
منظورش چنین چیزیه.

من نمی‌تونم تفاسیر متضاد با آزادی یا مصادره کننده دین رو از قرآن در بیارم.

هرکس درآورده باید به خودش شک کنه. آزادی و قدرت انتخاب و اختیار انسان، مثل حق و تو، هر تفسیر دیگه ای رو زیر سوال می‌بره.

فکر کنم برای امشب بسه.

ولی دین او مد انسان ها رو از مصادره خدا رها کرد و آزاد کرد، مصادره اش نشدنیه چون خیلی زود تضادهای مصادره اش در میاد.

چرا این تعداد axiom ها متناهی و مبینیم باشند مهم هستند؟

شما توحید و نبوت و معاد رو بذاری کنار، به جای ۳ اصل اثبات ناپذیر باید تعداد اصول اثبات ناپذیر بیشتری رو بپذیری.

این با عقلانیت در تضاده. عقلانیت یعنی تو تا حد اکثر، گزاره هات اثبات پذیر باشن. این که اصول اثبات ناپذیر بیشتری رو بپذیری عاقلانه نیست.

نکته بعدی اینه که تعدد اصول اثبات ناپذیر، باعث میشه که قوانین بسیار بیشتر و پیچیده تر بشن، تا حدی که نیازمند «تفسر» قوانین و اصول میشی.

یعنی از یه جایی به بعد انسان ها معیار تشخیصشون میشه انسان های مفسر دیگر.
یعنی چی؟

تله بوروکراسی که جامعه رو کمونیستی
می‌کنه!

تله بوروکراسی تهدیدیه برای آزادی و
لیبرالیسم.

اینکه آدم ۳ اصل رو بذاره زیر بغلش در یک کتاب، خیلی ساده تره تا اینقدر دچار پیچیدگی اصول و قوانین بشه که قدرت تشخیص و انتخابش سلب بشه.

از این رو هست که به گزاره ها و اثبات هایی رسیدم که اولین باره در دنیا و می‌تونه خیلی سوالات و تناقض ها و تضاد هامون رو رفع کنه.

خیلی مهمه ما تا جای ممکن، همه چیز رو اثبات شده بخوایم، ۳ تا دیگه کف می‌نیممش بوده. باقی ایدئولوژی ها، من جمله لیبرالیسم، خیلی تعداد axiom بیشتری تحمیل می‌کنند.

البته خدا می‌گه هرجا بری پیش
خودم برمی‌گردم.

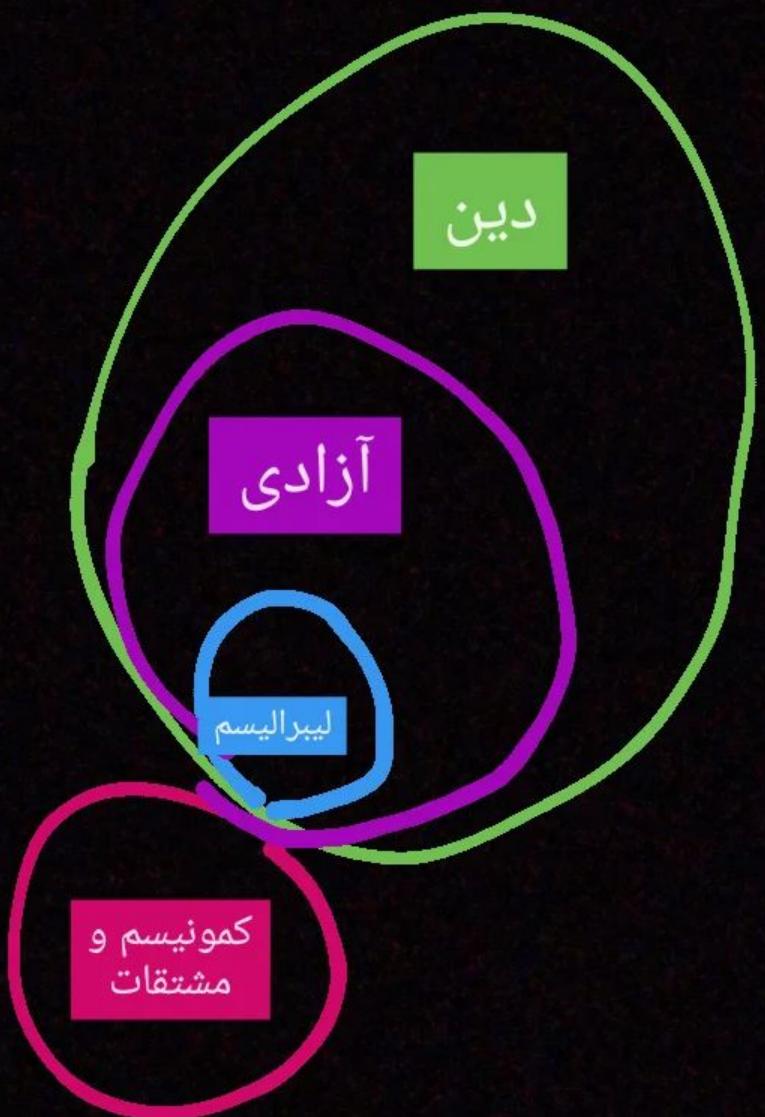
و عقل انسان برای امور دنیاش کافیه.

و دست بر قضا با همین عقل می‌فهمه
باید به همین ۳ اصل برگردد.

اما خدا می‌گه تو اگه با قلبت بیای،
درهای دیگه ای برات باز می‌کنم، دنیا
که شوخيه.

برای همین، اساسا دین برای این گزاره‌ها و
اثباتی که نوشتمن و می‌نویسم نیومده. دین
برای چیز دیگه ای او مده.

هرجا اجبار و زور و سلب آزادی دیدید،
اونجا دین نیست. اینم فعلا یادگاری از من
یادتون باشه تا خرد خرد بنویسم.



خلاصه اش اینه، دین مجموعه بزرگتریه از آزادی و لیبرالیسم و در تضاد کامل با سوسياليسم و کمونیسمه.

البته تازه شروع شدها

خیلی موندہ

ولی دین خیلی قدر تمند، اونقدر که نبوت شد آخرین پیامبر و ظهور هم زمانش معلوم نیست.

شاید یکی از مهمترین دلایلش این باشه که هیچ انسان دیگه‌ای نتوانه مصادرهاش کنه و هرکس هم کرده خیلی زود لو رفته و همه چیز رو باخته.

خیلی بحث‌ها داریم که باید بنویسم.

*

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د
پوینت

Type something...

قبل از نوشتمن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

اینکه دین کارکردداره اساسا
فلسفه‌ی وجودی ادیان هست. مفید
بودن خداباوری برای لیبرالیسم
نمی‌تونه دلیلی برای خداباوری
باشه

واقعاً عقب مانده‌ای.
صدبار گفتم axiom ها اثبات ندارن.
تازه‌لان طلب کاری که اثبات براش
نبوده؟ خب گشادی رو بذار کنار اصلاً
بین گزاره‌های مورد بحث چی بوده!

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

اگر دین ندارید، آزاده باشید. این
گزاره خلاف گزاره "دین مجموعه
بزرگتری از آزادی هست"، نیست؟

حالتون خوبه؟
موادی چیزی نزدید؟

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

یعنی دین به طور کامل حذف بشه
تمدن نمیتونه کار خودشو به
درستی پیش ببره؟

درست یعنی چی؟
به درستی پیش رفتن یعنی چی؟
اصلا کجای بحث درستی و غلطی بوده؟

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

دین و صاحب‌ش (خدا) به ادعای
خودشون حی هستن، با توضیح
شماولی یه باور ذهنیه، برا همین
من دیگه دعا نمی‌کنم، شنونده
نیست

نمی‌فهمم چی می‌گید.
نمی‌دونم دنبال چی می‌گردید فقط
می‌فهمم ۴ خط فارسی سلیس رو
نمی‌تونید بخوونید.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

ممکنه استوری راجع به گیم تیوری
رو رو کانالت بذاری، که بتونم برای
چند نفر بفرستم؟

شما بشین پای لپتاپ همه اش رو
تاپ کن برای من دایرکت کن. آفرین
گشاد عزیز.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

ممکنه استوری راجع به گیم تیوری
رو رو کانالت بذاری، که بتونم برای
چند نفر بفرستم؟

شما بشین پای لپتاپ همه اش رو
تاپ کن برای من دایرکت کن. آفرین
گشاد عزیز.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

دایرکت رو ببین اینجا جا نمیشه
توضیح دادم

اگه جا نمیشه، مقاله کن منتشر کن
برای خودت. من اونقدری علاقه و
فرصت و حوصله ندارم افکار رندم
دیگران رو بخوونم.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

برداشت من این بود که نیاز ما به
دین به دلیل حقانیت یا درستی
خودش نیست به خاطر نیاز
جوامع به اون هست .

من راجع به نیاز و حقانیت چیزی
صحبت نکردم.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

دین ساخته‌ی بشر برای کنترل
مردم هست نه بیشتر ن کمتر با
تمام احترامی که برای خودت و
تمام تحلیل‌های درست که قائلم

من برای شما دوست ابله احترامی
قابل نیستم.

تو یک گزاره اثبات ناپذیر مطرح
کردی برای رد یک گزاره اثبات ناپذیر
دیگه!

یعنی من تو گوش خر هایده
می خووندم فایده اش بیشتر بود.

می‌تونی بینشون انتخاب کنی،
نمی‌تونی اثبات یا رد کنی!

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

عدل هم جزئی از اصول دینه ولی
شما قبل از ارجح بودن آزادی
نسبت به عدالت گفتین!

بلاهت یعنی این.

عدل یعنی چی؟ اصلاً اصل عدالت
چی گفته؟ اصل عدالت مال چه
گروهیه؟ حداقل گوگل می‌کردی
ببینی چی داری می‌گی.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

دین شخصیت ادم ها رو تغییر
نمیده، دزد دین دار قلبیم بشه
دزدی میکنه، شخصیت ادم ها
برداشتون از دین رو تغییر میده

یه ابله دیگه

شخصیت چیست؟ تعریفش چیست؟ با
چه استدلالی تغییر می‌ده یا نمی‌ده؟
اصلاً مگه ما راجع به این صحبت
کردیم؟ مگه اصلاً صورت مسئله این
بوده؟

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

اگه ما رو نمیرنی چرا باید بندگی
خدا رو توی غالب دین کرد؟
نمیشه خدا رو قبول داشت و
انسان بود بدون دین؟

ای خرا!

انسان چیست؟

کل داستان این بود که ۳ اصول
موضوعه رو نپذیرفتی، اصول
موضوعه جایگزینت چیه!
عجبنا.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

دین همون اپدیت باورهای
ابتدايی بشریت نیس؟؟؟ ساخته
ذهن

ذهن چیست؟
باورهای ابتدایی چیست؟

چرا نمی فهمید منطق یک اصولی دارد
که باید ازش استفاده کنید!

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

یعنی بهترین راه اینه معاد و نبوت
و توحید رو بدون اثبات
همینجوری بپذیریم؟

آزادید هر راهی رو انتخاب کنید.
ممکنه دلتون بخواهد آگاهانه راه سخت
تر یا بدتر رو انتخاب کنید.

نشون بدید بررسی کنیم.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

طبق شکل شما میگید دین آزادی و
لیبرالیسم رو در بر داره، خب
آزادی خواهان سقط جنین رو
قبول دارن، دین مخالف سقط
جنین هست، تضاد توضیحی داره؟

آزادی خواهان؟
با چه تعریفی آزادی خواه هستند؟
سنگ محک آزادی خواهی دلخواه شما
کمونیستها نیست.

سقط جنین از نقطه ای به بعد که دارای
خودآگاهی میشه، قتل یک انسان دیگه است.
تا قبل از اون شما قتل انجام ندادید.

اول قتل رو تعریف کنید بعد تعریف آزادی
خواهی رو مصادره کنید.

اصول موضوعه این آزادی خواهان چیست؟
اینم نفهمیدید که بحث همینه!

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

بابا ۹۵ مطلب رو نگرفتن 😢 هر
فیدبکی میدن طبیعتا میرینی
 بشون

اتفاقا لازمه.

یهو همه گزاره های سیکیم
خیاریشون رو باید کوپید تو
صورتشون تا بفهمند همه چیز اینقدر
سیکیم خیاری نیست.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

میشه فقط سه تا اصول دین رو
پذیرفت و بقیه دستوراتش رو
بیخیال شد؟

من نمی دونم شما چرا نمی فهمید
قدرت انتخاب و اختیار یعنی چی؟

مگه من باید تعیین کنم میشه یا
نمیشه؟ من چیکاره ام؟

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

آیا خودآگاهی همون درک مفهوم
من نیست؟ و ترس اصلی در مورد
هوش مصنوعی به خاطر خود
آگاهی احتمالیشه؟

هوش مصنوعی طبق اصول ناتمامیت
گودل، اثبات میشه که دارای
خودآگاهی نیست، هر چند که
توانمندیش هر روز بیشتر بشه.

بعدا می نویسم.

ما دارای خودآگاهی هستیم چون حتی
نمی دونیم فرمول کارکرد مغز و
خودآگاهیمون چیه، اما هوش مصنوعی رو
با اصول موضوعه از پیش تعیین شده
خودمون طراحی می کنیم و ... مفصله.
البته این نظر و استدلال منه.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

تز احتمالی بعدیت :
"هرکی جمهوری اسلامی و خامنه
ای رو قبول نداشته باشه خره"

تز بعدیم راجع به مادرته.

کسنمک

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

مساله اینجاست آیا هست دینی
که تو ش سلب آزادی نباشه؟! و
واقعاً زور و جبر نداشته باشه؟!

نمی فهمید چرا؟
این میزان خنگی هنره.

هیچ انسانی حق تعیین تکلیف برای
دیگران رو نداره.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

خیلی سخت و پیچیده حرفاتو
میزنی. مثل ایناییکه خیلی فلسفة
خوندن و همه چیو فلسفی
میگن. بابا دوست داریم یخورده
ساده

ساده تر از این دیگه قصه حسن
کچله.

همه پیش نیازهای فهمش در صفحه
هست.

قبل از نوشتمن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

آکسیوم های من به ترتیب
ایناست؛ زمان، طبیعت، جمعیت،
فردیت، فضا_نظم.
یک روزی همه اینارو توضیح
خواهم داد.

من با ب اطلاع عمومی عرض کنم
نویسنده موارد بالا فقط ۲۳ سالشہ.

گوزی به بزرگی مجموع داوکینز و
هیچنژ و هاوکینگ در کرد.

شما فعلا تجویزت گارد اسیله. ۳۰ رو
رد کردی برگرد.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

ی سوال تعیین ۱۴۰۸ کذب
الوقاتون نیست؟

۱۴۰۸ دنیا تموم میشه؟
۱۴۰۸ قیامت میشه؟

الان من برم ذخایر آب رو با سرعت
صرفش حساب کنم تخمین بزنم کم
آبی میشه، کذب الوقاتونه؟

گاو و گوساله اید؟ از هر چیزی
پوسته اش رو برمند دارید؟

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

برای اخلاقی زندگی کردن نیازی
به دین نیست چون اساسا شانس
بقا گونه اخلاق مدار تر بیشتره

یه گاو احمق دیگه.

الآن خاوری کاناداست، تا بتونه هم
بقا ایجاد می کنه.

کسشرای اثبات ناپذیری بگید که
حداقل اینقدر احمقانه نباشه.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

بهترین کشوری که با معیار های
پیشرفته که معرفی کردی
هماهنگه و داره راه رو درست
میره ؟

USA

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

خود دین هم اختیاری که تو میگی
رو قبول نداره ، لا جبر و لا
تفویض لکن امر بین امرین

احمق من الان امریکا به دنیا نیومدنم
جبره، جاذبه زمین جبره.

منظورش از جبر اینه!

چطوری اینقدر سطحی هستید؟

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

خود بحث تفکر و اراده‌ی ازاد
خیلی قوی زیر سواله...

آره خب

یکی از راه‌های کمونیست‌ها برای کنترل دیگران اینه که اول می‌گن اراده آزاد نداری، بعدم می‌گن فرمول اصلاحت اینه، بعدم کنترلت می‌کنند.

نمونه اش هم آقای ساپولسکی.

وسایلمو بگیرم دیگه رگباریه که مقالات رو بنویسم اما وقتی ادعا کنی انسان اراده آزاد نداره، یعنی یک مجموعه تئوری داری که می‌تونی قدم بعدیش رو حدس بزنی، پس می‌توనی رفتار جمعی هم فرموله کنی. خود ذات تفکر کمونیستی.
با اصول اثبات شده گودل و تورینگ در تضاده.

وقتی با اصول اثبات شده در تضاده یعنی ادعای نداشتن اراده آزاد، مثل ادعای ۲۲ تا ۵ تاست. یعنی از اساس کسره و فقط شواهد و کورلیشن میارن نه اثبات. کلی هم نقض دارند.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

تا اینجا نظرم اینه دوست دارم اگر
فرد دینداری اطرافم هست این
نوع که تو توضیح دادی به دین
باور داشته باشه. روادرانه است.

عمدتا خودشونو بالاتر از خدا فرض
می کنند و گه می خورند.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

با خداباوری به شدت مخالفم اگر
یه روزی با خداباوری یه کشور یا
ملتی به جایی که الان آمریکا
هست رسید او نوقت نظرم عوض
میشه

وقتی تو عمرت دلار از نزدیک ندیدی

In god we trust

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

سوئد سوسیالیستی اگه لیبرال بود
یعنی ازنظر اقتصادی و غیره
موفق تر بود؟ میشه منبع خوب
برای تفکر لیبرالیستی معرفی کنی

تحریف تاریخ و واقعیت توسط کمونیست ها
اینها، ۲۸ مرداد هم همینطوری تحریف کردند.

۳ تا چیز انتها نداره:
کهکشان ها
حماقت بشر
تعداد افرادی که می گن سوئد سوسیالیستیه

البته راجع به اولی شک دارم!

با اینکه هزاران بار من و بقیه جاهای مختلف
به تمام زبان های زنده دنیا گفتیم سوئد
لیبرال دموکراسیه، تا ابد با اینا مواجه
میشیم. یک جهان رو فریب دادند.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

با اطلاعات و هوش در حال
توسعه، تا کی مگه قراره آدما
باورمند بموన، حالا به هر چی

نمی فهمید متاسفانه.

شما در هیچ علمی، هیچ دستگاه یا مجموعه
تئوری نداری که روی پایه های اصول اثبات
نشده نباشند.

از اصول موضوعه هندسه اقلیدسی و هندسه
نااقلیدسی گرفته تا مباحث مرتبط به آزادی

... ۹

شما تا دنیا دنیاست مجبوری بدون اثبات
پوزیتیویستی، خیلی چیزا رو باور کنی.

کورت گودل یه کاری کرده که عکسش رو
زدم به دیوار پشت سرم. بیخودی اینقدر
برای من مقام بالایی نداره.

کمونیست ها اتفاقاً به لیبرال ها به تمسخر می‌گن دست پنهان بازار، همون ید الله فوق ایدیهمه.

لیبرال ها می‌گن، در آزادی، ساز و کارها طوری پیش می‌رده که همه رفاه و دنیای بهتری تجربه کنند. انگار دست پنهانی هست خودش سامان می‌دهد.

کمونیست‌ها می‌گن ما خودمون مثل خدا، می‌تونیم همه چیز رو فرموله کنیم و قیمت گذاری کنیم و دستور بدیم و ...

ذات ماجرا اینه که کمونیست‌ها می‌گن خدا ماییم.

لیبرال ها می‌گن ما نمی‌دونیم خدا کیه، ولی قطعاً مجموعه‌ای انسان به اسم دولت با مداخله، فقط فلاکت می‌باره.

ساده شده همه دعواها، خود را خدا پنداشتند
و خداناباوریست
با خداناباوری و پذیرش اینکه من نمی‌تونم
برای دیگران تعیین تکلیف کنم.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

نمیشه ما برگردیم به دین زرتشتی
برای اینکه به لیبرالیسم دست پیدا
کنیم؟؟؟ آخه اسلام از اول هم
دین سیاسی بوده و اقتصاد دولتی

البته همون زرتشتی هم وقتی رفت
تو ارکان قدرت، نسخه مملکت رو
پیچید. اصل ماجرا رو نفهمیدی.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

بسیار عالی بود. میشه راجع به
نحوه عملیاتی کردن ایده هاتون
هم بنویسید؟

آفرین
سوال خوب یعنی این
راه عملیاتی کردن ایده دقیقاً تصمیم به
عملیاتی نکردنشه!

چی رو عملیاتی کنی؟ همین یعنی
کمونیستیش کردی و مصادره کردی.

مگه پیغمبری؟ مگه بہت وحی شده؟ اصل
نبوت می‌گه دیگه وحی تمام شد! همه چیز
لازم او مده، شما با هموна زندگیت رو بکن.

ما فقط باید بفهمیم آزادی واقعی چیست. در
همه جا مصادیقش چیست. زیر بار بندگی
غیرخدا نریم.

مدافع آزادی فردی باش. سرت هم تو
کون خودت باشه.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

مثل این میمونه که همه چی رو
بکوبی و از اول بسازی. خیلی
زمانبره. عمر ما قد نمیده بر فرض
اینکه زمینه شم فراهم
باشه . میده؟...

ادامه ریپلای قبلیشه

آزادی لعنتی، آزادی لعنتی رو بفهم و ازش بگو.

اگه آزادی رو بفهمی، متعاقبا قدرت انتخاب و اختیار رو فهمیدی، قدرت انتخاب و اختیار رو بفهمی یعنی «دنیا فرمول از پیش تعیین شده و سرنوشت جبرگونه قطعی ندارد» این رو هم بفهمی، یعنی حالا مسئولیت خودت رو باید بپذیری.

کمونیست ها دائم در حال انکار مسئولیت فردی، القای عدم وجود اراده آزاد هستند و ادعا می کنند فرمول بشریت دستشونه.

از انسان خداگونه بترسید.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

باور کن نظرات تو تو دانشگاه همه
میخونن. یه استاد جامعه‌شناسی
داریم بہت میگه آرمین پینوشه.
البته ما جوابش و دادیم 

همینا پوسته حرف‌ها و مفاهیم رو
برمیدارن. مهم نیست.

بر چشم و گوش و قلب یه عده مهر زده
شده گویا.

هرجا انحصار بشکنه، ذی نفع‌ها شاکی
می‌شن. حتما باید در ساختاری، ایشون
مدرک من رو تایید کنه تا اجازه اندیشه و
تولید فکر داشته باشم.

بدون یک نقد مكتوب به حرف‌های
من، یا مناظره، فقط حمله به شخص
می‌کنند. فقط و فقط.

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

خدا ناباوری می‌تونه جریان
لیبرالیسم را مختل کنه را قبول
دارم و فهمیدم چی میگین ولی آیا
گزینه مقابله خداناباوری
خداباوریه؟

ندانم گراها، یا خدانابورهای لایت هستند
یا خدانابورهای خجالتی و ترسیده از
واکنش موج پوزیتیوبیست‌ها به اسم علم.

ندانم گرایی که واقعاً داره اندیشه می‌کنه
ببینه چه انتخابی کنه، فرقی با خدانابور
نداره، چون اندیشه بدون لجبازی، منجر
به رفتار کنترل گر و دستوری عليه
دیگران نمی‌شه.

چندان از این ندانم گراها نداریم. نتیجه
بله داستان بین همون دو دسته است.

لیبرال‌ها می‌گن ما نمی‌دونیم بهشت هست
یا نه، به ما ربطی نداره اون دنیا برى بهشت
یا نه. این دنیا هم ناهار مجانی نداریم باید
مسئولیت خودتو بپذیری و چشم انتظار
بیرون (دولت) نباشی

کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها می‌گن بهشتی اون
دنیا وجود نداره، ولی ما برآتون بهشت رو می‌ارييم
این دنیا! (نتایجشم دیدیم)

مصادره کننده‌های دین می‌گن، ما هم شما رو
می‌فترستیم بهشت (به زور) و هم این دنیا رو بهشت
می‌کنیم (به زور) که نتایجش هم دیدیم.

دین می‌گه، با عقل سليم خودت امور دنیات
می‌گذره، اگرچه هرجا برى آزادانه، باز با عقل
خودت می‌رسی به حرفای خودم.
اما با دل بیا، یه درهای دیگه‌ای هم برات باز
می‌کنم که ببینی این بحث‌های دنیا بی‌ارزش‌ن.
هم دنیات آزاد و رها می‌شه هم وجودت.

لیبرال آتئیست یا کمونیست تاخیری نهايتا باز
برامون زندگی رو فرموله می‌کنه. لیبرال در
بی‌خداترین حالت، ندانم گراست.

اونی که دلار از نزدیک ندیده بود

ته آی دیش يه invest هم داشت

يعنى تو کار سرمایه گذاری اینا بوده

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

حتما باید به خدایی سادیسمی
باور داشت که فرموده منی بین
دنده ها تولید میشه وام با بهره
جنگ با خداست؟

بانکداری آزاد پول خصوصی

تنها راه تا کنون به ذهن بشر رسیده
پایدار مبارزه با برده داری دولتی و از
بین بردن رباباست.

کی گفته ربا خوبه؟ چطور این اصل برای
شما بدیهی پذیرفته شده؟

قبل از نوشتن، فکر کنید. صریح و تو د پوینت

طبعی هستش که مطالبی که
خوندم سنگین بود و برام انجان
جا نیفتاده؟

دین غول مرحله آخره

از ریاضی و منطق و علوم تجربی و مهندسی رد میشی
یه پله بالاتر میشه درک علوم مرتبط با انسان و جامعه
یه پله بالاتر میشه درک هنر و ادبیات
بعد میرسی فلسفه
آخرش دین رو تازه شاید بفهمی.

ترتیب بالا من دراوردی خودمه. تجربه مسیر فکر و فهم
خودمه.

به همین دلیل تمام آخوندا بی سوادن و دین
رو هم نفهمیدن.

برای همین نظام آموزشی ما آئیست پروره.
چون غول مرحله آخر رو از بچگی فرو میکنه
و بالا میاریم.

نفهمیدن شما هم طبیعیه، پس ترتیب بالا رو
برو تا ۳۰ الی ۵۰ سالگی تازه بتونی مزه مزه
کنی دنیا رو.

خیلیا از من پرسیدن که بچه‌ها مونو چطور آزاد و لیبرال تربیت کنیم.

من بچه‌های زیر ۱۵ سال رو نمی‌دونم واقعاً سینین پایین حساسیتش زیاده. اما از این سن به بعدش رو می‌تونم پیشنهاد بدم.

بشیر و نذیر باشید (خیلی آخوندی شد) یعنی شما فقط می‌تونی درست و غلط رو نشونش بدی و عواقبش رو بگی ولی نمی‌تونی اجبار کنی.

باید تصمیم گیری و انتخاب آزاد رو یاد بگیره و بذارید تا حدی، هزینه و مسئولیت این آزادی رو تحمل کنه و تا حدی هم موقع اشتباهاتش پشتیبانیش کنید.

اگر آزادی رو سلب کنی، بچه دیگه اهمیت نهاد خانواده رو نمی‌فهمه، چون ازش زده می‌شه، از این ضربه بزرگتر نمی‌توانید بهش بزنید که خانواده گریز بشه. خیلی هم توی اشتباهاتش پشتیش وایسین لوس بار می‌اد. باید گاهی از غصه اشتباهاتش عر بزنه خون گریه کنه و معنی مسئولیت آزادی انتخاب و تصمیم گیری رو بفهمه. لازمه. بستگی به نوع هر تصمیم و موقعیت داره دیگه. گاهی هم باید پشتیش ایستاد.

Ayaan Hirsi Ali



Hirsi Ali in 2016

ایشون رو می‌شناسید؟

Yes

No

Ali had been a central figure in New Atheism since its beginnings. She was strongly associated with the movement, along with Christopher Hitchens, who regarded Ali as "the most important public intellectual probably ever to come out of Africa."

کریستوفر هیچنز راجع بهش گفته بود «مهترین روش‌گردانی که از قاره آفریقا او مده»

چون یکی از چهره‌های نئوآتئیسم دنیا محسوب می‌شد.

هیچنزو می‌شناسید؟

Yes

No

به کریستوفر هیچنر، سم هریس،
ریچارد داوکینز و دنیل دنت می‌گن
چهار شوالیه نئوآتئیسم.

چند تاشونو می‌شناشید؟

هر ۴ تا

۳ تا

یکی دو تا

هیچکدام

Why I am now a Christian Atheism can't equip us for civilisational war



(Christian Marquardt/Getty Images)



Ayaan Hirsi Ali

NOVEMBER 11, 2023 7 MINS

In 2002, I discovered a 1927 lecture by Bertrand Russell entitled “Why I am Not a Christian”. It did not cross my

ایشون ۳ ماه پیش اعلام کرد دیگه رسمًا مسیحیه.

دلیلش هم این بوده که آتئیسم یا خداناباوری، ما رو برای جنگ تمدنی پیش رو، مجهز نمی‌کند.

البته ایشون، دلیل و استدلال نیاورده،
بلکه شواهدی ارائه کرده.

حرف هاش درسته، ولی اثبات یا
استدلال نیست.

خیلیا ممکنه مسخره کنند مثل همیشه که هیچ
اهمیتی برآم نداره.

ولی من اولین باره در کل کره خاکی که دارم
برای این گزاره ها استدلال میارم.

فقط چون اینور اونور یا جرات یا اجازه
ندارند دعوت کنند یا خودم نمی‌رم، یا چون
مدرک دانشگاهی مرتبط نگرفتم، یا چون
ادبیاتم ساده و همه فهمه، یا چون راجع به
خیلی موضوعات می‌نویسم، دلیل نمی‌شه که
حرفی که دارم می‌زنم، بدیع و نو و قدرتمند
نباشه.

ولی خیلی طول نمی‌کشه که اینایی که
می‌نویسم رو به زودی خیلی جاها
خواهید دید و شنید.

استدلال‌های هر ۴ نفری که بهشون
می‌گن شوالیه‌های آتئیسم رو همینجا
رد خواهم کرد.

برای اون دلچک‌هایی که می‌خوان
اسکرین‌شات بگیرن مسخره کنن،
استوری خوبیه، باعث می‌شین
تیزینگ تبلیغاتی خوبی بشه رو حرفا.

دین کلا برند بدی شده.

اینقدر برچسب خورش ملسه این روزها، ولی مهم نیست واقعاً.

من پاییند به استدلالم، اینم خودش خود به خود استدلال هاش برام جور شد، قصد و هدف قبلی نداشتمن، مسیر مطالعاتی خودم داشتم می‌رفتم.

خودم رو آماده کردم از همه طرف بزنند.

اما تا تکلیف جامعه ایران با دین روشن نشه، ایران هیچگاه امکان نداره تغییری رو به توسعه بکنه.
خیالتون از این بابت تخت تخت!